

زندگی‌نامه رامبد جوان به طور خلاصه

■ نام اصلی:رامبد

نام خانوادگی اصلی: جوان

سمت: کار در بخش های بازیگری

فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی

تاریخ تولد:۱۳۵۰

محل تولد:تهران

ملیت:ایران

تحصیلات:دیپلم

شروع بازی در تئاتر: از سال ۱۳۷۰

شروع بازی در تلویزیون: از سال ۱۳۷۳

شروع بازی در سینما: از سال ۱۳۷۶

رامبد جوان با بازی در نقش کوتاهی در مجموعه تلویزیونی پر طرفدار «همسران» شناخته شد و سپس با بازی در مجموعه تلویزیونی «خانه سبز» به شهرت رسید و خیلی زود توانست نویسندگی و کارگردانی بعضی از نمایش‌ها و مجموعه‌ها را بر عهده بگیرد. بازی فیلم «مومیایی ۳» و مجموعه تلویزیونی «ولایت عشق» چهره دیگری از او به نمایش گذاشت. اولین مجموعه تلویزیونی‌اش را در سال ۱۳۸۰ با نام «گمشسته» کارگردانی کرد که این سریال در ماه مبارک رمضان بسیار مورد توجه واقع شد و هم نظرات مثبت مردم و هم نظرات مثبت منتقدان را به همراه داشت. اما برخی کارشناسان و منتقدان معتقدند که بهترین و کامل‌ترین بازی سینمایی‌اش را در فیلم «صورتی» ایفا کرد.او سال ۱۳۸۲ را بسا کارگردانی دومین مجموعه تلویزیونی‌اش آغاز کرد. اولین تجربه کارگردانی در سینما را با ساخت فیلم «سپاگتی در هشت دقیقه» از ۲۵ آبان ۱۳۸۳ آغاز کرد.

بخشی از فیلم‌شناسی:

۱۳۸۴، زن بدلی (مهراد میرفلاح) بازیگر

۱۳۸۴، سوغات فرنگ، بازیگر

۱۳۸۳، اسپاگتی در هشت دقیقه (کارگردان: رامبد

جوان) بازیگر، کارگردان و فیلمنامه‌نویس

۱۳۸۲، مکس (سامان مقدم)، بازیگر

۱۳۸۱، صورتی (فریدون جیرانی)، بازیگر

۱۳۸۰، سیندرلا (کارگردان: بیژن بیرنگ و مسعود رسام)، بازیگر

۱۳۷۸، مومیایی ۳ (کارگردان: محمدرضا هنرمند)، بازیگر

۱۳۷۷، پشت دیوار شب (کارگردان: مهران تایییدی)، بازیگر

۱۳۷۶، کمکم کن (کارگردان: رسول ملاقلی‌پور)، بازیگر

۱۳۷۵، ماه و خورشید (کارگردان: محمدحسین حقیقی)،بازیگر

جوایز و انتخاب‌ها و افتخارات:



کاندیدای لوح زرین بهترین بازیگر مرد از جشنواره فیلم فجر برای فیلم صورتی

منتخب دوره چهار سالیت ایران اکتور بهترین‌های (سال ۱۳۸۳

کئندیدای لوح زرین بهترین بازیگر مرد برای بازی در فیلم سیندرلا

منتخب دوره سه منتخب سالیات ایران اکتور (بهترین‌های سال) سال ۱۳۸۲

حرف‌های رامبد جوان درباره فیلم «ورود آقایان ممنوع»
رامبد جوان درخصوص همکاری خود با پیمان قاسم‌خانی در فیلم «ورود آقایان ممنوع» گفت: «پیمان یکی از بهترین فیلمنامه‌نویسان ایران است و من با پیمان از فیلم «مکس» که من در آن فیلم بازی می‌کردم، همکاری داشتم و با سریال «مسافران» این همکاری ادامه پیدا کرد تا به این فیلم رسید.»

جوان درخصوص کارگردانی این‌ فیلم گفت: «فیلمنامه این داستان برای ساخت به دست سرتیپی و خانم حکمت رسید و برای ساخت نیز قرعه به نام من افتاد.»

رامبد جوان در پاسخ به این سوال که آیا گروه‌گشایی در داستان را کم نکرده است، پاسخ داد: «اینکه در داستان داشتم چه گره‌ای را باز می‌کردم را قبول ندارم زیرا من گره‌گشایی نکرده و داستان و قصه‌ای را روایت کرده‌ام.»

وی درخصوص روایت نقش خانم دارایی در فیلم گفت: «به اعتقاد من، این نقش یکی از بهترین نقش‌های کمدی زن پس از انقلاب در ایران بوده است و فکر می‌کنم این نقش به بهترین نحو نوشته و بازی شد»

وی همچنین در مورد ساختار و مضمون فیلمش

خاطر نشان کرد: «در یک داستان کمدی چه چیزی

می‌خواهیم؟ آیا چیز این است که ما می‌خواهیم مخاطب احساس حماقت نکند؟ یا داستان را دوست داشته باشد؟ و من بر این اعتقاد هستم که داستانی با این ویژگی‌ها کمتر اتفاق می‌افتد که ساخته شود.» جوان درباره روایت شوخی‌های ناب خود، در فیلم خودش گفته است: «یکی از فرمول‌های ساخت ژانر کمدی غافلگیری است و فیلمنامه پیمان همه این موارد را داراست و البته وجود افراد کمدی کار که کار کمدی را می‌شناسند، نیز بی‌تاثیر نبوده و شایان ذکر است که تمام بازیگرهای من اولین انتخاب من برای بازی در این فیلم بودند و از اول به همان‌ها در ذهنم فکر کرده بودم.»

■ **در فیلم آخرتان «ورود آقایان ممنوع» خوندان بازی نکردید، در فیلم جایی برای شما نبود یا رامبد جوان بازیگری را پشت سر گذاشته و می‌خواهد کار گردان بماند؟**
اصلا این طور نیست که نخواهم بازیگری کنم. اتفاقا الان به نظرم وقت این رسیده که بیشتر به بازیگری بپردازم. چون آنقدر گفتم‌ام کارگردانی را دوست دارم و در این چندسال کارگردانی کرده‌ام که دیگر کسی به من پیشنهاد کار برای بازی نمی‌دهد. از هر دفتر تولید فیلمی هم که زنگ می‌زنند برای کارگردانی است. به هر حال من بازیگر هم هستم و اصلا دوست ندارم به بازیگری تبدیل شوم که فقط در فیلم‌های ساخت خودم حاضر باشم و هیچ کارگردان دیگری سراغم نیاید.

■ **کارگردان شدن احتیاج به خصوصیات اخلاقی خاصی دارد؟**

به نظر من آدم برای کارگردان بودن باید آدم خودخواه و باهوشی باشد تا هر چیزی که به نفع خودش و کار است را از دیگران بشنود و استفاده کند. وقتی کارگردان یک فیلم با سرپال باشی یعنی همه اعضای گروه اجازه استراحت دارند و تو باید همیشه حتی در مواقع غیر کار به آن فکر کنی. خستگی برای کارگردان چندان معنا ندارد. باور نمی‌کنید، خود من روزهایی که فیلمبرداری دارم آنقدر در طول روز کار می‌کنم و فکرم مشغول کار است که شب‌ها در خواب پلان می‌گیرم. گاهی فکر می‌کنم چه خوب بود اگر آن پلان‌های در خواب هم حساب می‌شد آن وقت زودتر می‌توانستم یک فیلم را تمام کنم.

■ **پس کارگردانی سخت است؟**

بله، کارگردانی سخت و در عین حال جذاب است. کارگردانی را خیلی دوست دارم. اصولا اینکه آدم رییس باشد لذت‌بخش است، منظورم از رییس بودن این است که همه چیز بر اساس آنچه تو می‌خواهی اتفاق بیفتد. این اتفاق برای همه خوشایند خواهد بود.

■ **اولین تجربه کارگردانی شما برمی‌گردد به خیلی سال پیش وقتی خیلی جوان بودید. آن موقع کارگردانی را دوست داشتید یا صرفا اتفاقی ماجراجویانه محسوب می‌شد؟**

تقریبا یک سال بعد از شروع تئاتر فهمیدم کارگردانی را خیلی دوست دارم. اولین تئاترم را در ۲۲سالگی کارگردانی کردم. تئاتری با معلولان و آدم‌های غیرمعمولی که خیلی تجربه خوبی بود.

■ **این سن کم برای شما ماجرا را سخت نمی‌کرد؟**
مسلمان سن کم هم باعث سخت‌تر شدن کارم می‌شد. ولی از زمان خیلی انرژی داشتم و پر از انگیزه بودم. توانایی ارتباط برقرار کردن با آدم‌ها را به شدت داشتم، توانایی که برای یک کارگردان لازم و ضروری است. چون به نظر من کارگردانی یعنی معاشرت با آدم‌ها، با کل گروه مشغول در تولید و ساخت یک فیلم یا تئاتر. خوشبختانه من همیشه این مهارت را داشتم و توانستم در آن کار هم به خوبی از آن استفاده کنم. بنابراین از نظر سن کم خیلی مشکلی برآیم به وجود نیامد.

■ **کم بودن سن تان باعث نشد ابهت کارگردانی نداشته باشید یا کمتر جدی‌تان بگیرند؟**

نه چندان. از اول به چشم آدم غریبه و کم‌تجربه به من نگاه نمی‌کردند. در تلویزیون و سینما اول به عنوان بازیگر شناخته شدم بعد در پست کارگردانی قرار گرفتم. به همین خاطر اگر قرار بود به عنوان کارگردان با کسی کار کنم چون

از قبل من را به عنوان بازیگر می‌شناخت، برایش پذیرفته شده بودم. ضمن اینکه آدم‌های حرفه‌ای فقط کافی است که احساس نکنند کارگردان می‌خواهد به آنها بی‌احترامی کند یا سابقه، تجربه و اعتبارشان را نادیده بگیرد. وقتی بفهمند که کارگردان هرچند جوان است اما می‌خواهد از تجربیات‌شان استفاده کند و گیج نمی‌زند و می‌داند، می‌خواهد چه کاری انجام دهد، خیلی راحت او را می‌پذیرند.

■ **برای بازیگری که کارگردانی می‌کند، دوباره زیر سایه یک کارگردان رفتن سخت نیست؟**

زیر سایه رفتن معنا ندارد. بازیگری هم یک پست است. بازیگر حرفه‌ای نظرش را می‌دهد، کارگردان یا می‌پذیرد یا رد می‌کند. همه بازیگرها هم این کار را می‌کنند و اگر نظرشان در راستای فیلم و فکر کارگردان باشد، کارگردان حتماً قبول می‌کند.

■ **چرا سریال‌تان برای نوروز پخش نشد؟**

شبکه یک، دو پروژه برای پخش نوروزی داشت. مدیر شبکه به من گفت که سریال آقای مقدم، برای نوروز

خیلی مناسب‌تر است و اگر در زمان دیگری غیر از عید پخش شود، آن تأثیری را که باید روی مخاطب بگذارد نمی‌تواند داشته باشد. در نتیجه سریال ما چون می‌توانست خارج از ایام عید هم پخش شود، قرار شد از هفتم خرداد روی آنتن برود.

■ **فکر می‌کنید سریال‌تان مخاطب بیشتری داشته باشد یا فیلم‌ورود آقایان ممنوع؟**
نمی‌دانم. اصولا مخاطب تلویزیون بالاتر از سینماست. این آرزوی هر فیلمسازری است که کارش دیده شود و مردم دوستش داشته باشند. من هم آرزو می‌کنم هردو خیلی پر مخاطب باشند.

■ **در فیلم ورود آقایان ممنوع خیلی جالب بود که از بازیگرها در نقش‌های متفاوت استفاده کرده بودید. کلا قدرت‌ریسک‌تان بالااست؟**

من اصولا برای نقش‌های فیلم‌ها از بازیگرهایی استفاده کرده‌ام که حضورشان در آن نقش خیلی روتین نبوده. مثلا کسی فکر می‌کرد که حامد کمیلی از عهده نقشی کمدی مثل فیلم «پسر آدم دختر حو» بربیاید؟ تجربه‌ها، آزمایش و خطاهای جدید را دوست دارم. ویشکا آسایش و مانی حقیقی برای نقش‌هایشان در ورود آقایان ممنوع را هم بر همین مبنا انتخاب کردم.

■ **در جشنواره فیلم فجر امسال، ورود آقایان ممنوع برای بازیگر زن جایزه‌ای کسب کرد، فکر نمی‌کنید فیلم‌تان باید بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت؟**
کارهای کمدی اصولا در داورۃ‌های جشنواره‌ها مورد توجه چندانی قرار نمی‌گیرند. ولی اینکه ویشکا آسایش

چهره



عکس‌ها:مهرداد پیدایی،مشرق

گفت‌وگو با رامبد همیشه «جوان»

می‌خواهم فیلم‌های مدل خودم را بسازم

نگین درخشان، مژگان قنبری

رامبد جوان از آن آدم‌هایی است که وقتی ببینی مطمئنی همیشه جوان می‌ماند. پر از انرژی و اشتیاق برای کار و زندگی. کسی که اگرچه کار کمدی می‌کند اما طنزهایش درست مثل شخصیت خودش متفاوت و خاص است. در بازیگری، کارگردانی و نویسندگی بارها استعداد خود را ثابت کرده و نشان داده که حرفه‌ای زیاد و البته متفاوتی برای گفتن دارد. حرفه‌هایی که شاید هنوز فرصت گفتن بعضی‌هایش را نداشته. یا او درباره آخرین ساختارش «ورود آقایان ممنوع» و تجربه‌های این آقای همیشه جوان از بازیگری تا کارگردانی گفت‌وگو کرده‌ایم.

جایزه گرفت خیلی برای ما اهمیت داشت. چون در کارهای کمدی مخصوصا در ایران، معمولا نقش اصلی به گردن بازیگر مرد است. این موضوع که نقش اول زن ما در یک فیلم کمدی در جشنواره جایزه بگیرد خیلی اتفاق خوبی بود. این قضیه باعث می‌شود نگاه همه به کمدی تغییر کند، یعنی می‌شود کمدی ساخت که غیر از فروش و تماشاجی در جشنواره هم اهمیت پیدا کند. فیلمی که علاوه بر اینکه مخاطب را می‌خنداند، به ششور او احترام می‌گذارد و فیلم خوبی است. من کارگردانی این کار را به خاطر فیلمنامه خیلی خوبش قبول کردم. یک شوخی همیشه با پیمان قاسم‌خانی دارم که می‌گویم من حاضرم همه کارهای تو را بسازم حتی نوشته‌های روی پیکالت. را. به نظرم یکی از جاهایی که واقعا لازم بود فیلم ما مطرح شود، فیلمنامه بود و پیمان قاسم‌خانی حداقل باید کاندیدا می‌شد ولی نشد. عیبی هم ندارد.

■ **در فیلم‌های اخیرتان آن نوع طنز فانتزی که قبلا در کارهایتان بود کم‌رنگ شده. این چیزی است که دوستش دارید یا به آن ناگزیر شده‌اید؟**

مجبور شده‌ام کمدی‌هایم را کمی پسا روی زمین‌تر و معمولی‌تر کار کنم. این اتفاق چه در بازیگری و چه در کارگردانی‌ام پیش آمد. اینکه مدام دارم از فانتزی‌های فیلم‌هایم کم می‌شود را دوست ندارم. فیلم‌هایم را تخیلی تیم برتون، ارباب حلقه‌ها و ایکس من‌ها را خیلی دوست دارم و به نظرم اینها هیجان انگیزند. درست است که فیلم‌های اجتماعی و خیلی قابل لمس باید ساخته شود ولی

فیلم‌های تخیلی هم باید ساخته شود. نه؟ ما در سینمای ایران اصلا فیلم تخیلی نداریم و آنهایی هم که می‌توانند چنین کارهایی بسازند، آنقدر جدی گرفته نمی‌شوند که طرف مجبور می‌شود خودش را شبیه بقیه کند. این برای عرصه فیلمسازی ایران خطر محسوب می‌شود.

■ **یعنی مستقیما اجازه کارهای فانتزی به شما داده نمی‌شود یا به خاطر جذب مخاطب عام خوندان‌تان زیر شعله آن را کم می‌کنید؟**

هر دو. ببینید برای سریال مسافران قرار بود داستان چهار نفر آدم فضایی داشته باشیم که به زمین می‌آیند و در یک محله تهران ساکن می‌شوند و قرار است که مدام با اخلاق‌های ایرانی مواجه باشند و گیج شوند که چرا اینجا واقعیت‌ها برخلاف قوانینی است که وضع شده‌اند. مثلا مردم قرار است دروغ نگویند ولی دروغ می‌گویند یا مثلا از چراغ قرمز رد نشودن ولی خیلی راحت رد می‌شوند. این یک واقعیتی است که ما ایرانی‌ها از دید یک آدم فضایی با مثلا کسی که تازه پایش را در ایران بگذارد، اخلاق‌های عجیب و غریب و تضادهای حیرت‌انگیزی داریم. وقتی شخصیت‌های فیلمی آدم‌های فضایی باشد قاعدتا می‌تواند

زندگی مشترک همکاری دوباره زندگی مشترک

■ **رامبد جوان واقعا انسان خاصی است بسیار باهوش و البته دقیق و صریح، او چندان در مورد زندگی خصوصی خود صحبت نمی‌کند اما در پاسخ برخی سئوالات ما جواب‌های هوشمندانه و بامزه‌ای می‌دهد.**

■ **تا حالا شده که از رد کردن پیشنهادهای پشیمان شده باشید؟ اهل حسرت خوردن هستید؟**

نه، آدم حسرت خوردن نیستم. همیشه به حسم و جوابی که در آن لحظه دادم، احترام گذاشته‌ام. شاید بعضی وقت‌ها فهمیده باشم که بهتر بوده پیشنهاد بازی یا ساخت فلان کار را قبول می‌کردم اما پشیمان نشده‌ام. چون همیشه از کاری که کرده‌ام، لذت برده‌ام. شبیه این است که به دو تا میهمانی دعوت شده‌ای. به یکی از میهمانی‌ها می‌روی و بعد می‌شنوی در آن یکی میهمانی که نرفته‌ای خیلی خوش گذشته. آن‌وقت اگر جایی که رفتی بهت بد گذشته باشد، حسرت می‌خوری و می‌گویی آه کاش به جای اینکه اینجا می‌ماندم و حالم به هم می‌خورد، می‌رفتم آنجا. ولی من چون در هر کاری که قبول کردم خوش گذشته و راضی بودم، همیشه به خودم می‌گویم قرار بود خوشحال باشم. اینجا و آنجا ندارد.

■ **فکر می‌کنید شما با این روحیه بتوانید در یک نقش تلخ سیاه منفی بازی کنید؟**

به هر حال حرفه من بازیگری است. احتمال دارد یک زمانی هم در نقش منفی بازی کنم. مثلا در فیلم نسل جادویی در نقش یک آدم عبوس عاشق یک دره دلخور ناراحت بودم که با نقش‌های دیگرم متفاوت است. با اینکه آن فیلم کار موفقی نبود اما برای خودش تجربه جدیدی محسوب می‌شد. من اعتقاد دارم که بازیگر هرقدر هم حرفه‌ای باشد، اگر فیلمنامه و کارگردانی خوب نباشد، نمی‌تواند بازی جالبی ارایه کند. یک بازی خوب ثمره همکاری همه عوامل فیلم است. آن نقش سیاه تلخی را که می‌گویند را هم احتمالا می‌توانم بازی کنم به شرطی که عواملی که باید مهیا باشد.

■ **شما حامد پهباد را وارد سینما کردید، رامبد جوانی برای شما نبوده که با حمایت او وارد سینما شوید؟**

کسی نبوده که من را به سینما معرفی کند اما آدم‌های خیلی مؤثری در زندگی‌ام بوده‌اند. مثلا یکی از اتفاق‌های خوشایندی که باعث شناخته‌شدن من در تلویزیون شد، آشنایی‌ام با گروه سریال همسران و آقایان رسام و بیرنگ بود که فرهاد جم آن زمان من را برای دو قسمت آخر همسران معرفی کرد.

■ **شما دانشگاه را نیمه‌کاره رها کردید، فکر می‌کنید تحصیلات دانشگاهی در زمینه سینما و تئاتر بی‌فایده‌است؟**

من دانشجوی تئاتر بودم و تا چهار سال در تئاترهای دانشجویی شرکت داشتم ولی بعد دانشگاه را رها کردم. چون به نظرم آمد که نباید ادامه دهم. نه اینکه چون تحصیل نکردم فکر می‌کنم تحصیلات آکادمیک بی‌ارزش است و لازم نیست. اتفاقا به نظرم تجربه کردن دوره دانشجویی، در جمع بودن، استاد، کلاس، پروژه، برای همه ضروری است، آدم‌ها از این دوره خیلی چیزها یاد می‌گیرند و نگاهشان به زندگی عوض می‌شود ولی معنی‌اش این نیست که هرکسی در یک رشته هنری، به دانشگاه برود، می‌تواند انسان موفقی باشد. حرف من این است که اصلا ربطی ندارد که اگر دانشگاه بروی، موفق می‌شوی، اگر نروی موفق نمی‌شوی. خیلی به خود آدم بستگی دارد. دانشگاه شکل و شمایل ایجاد می‌کند. بقیه‌اش خودت هستی که باید درس بخوانی، بجوایی چیزی یاد بگیری، بروی تحقیق کنی. خودت باید کرم این را داشته باشی که از همه چیز سر در بگیری.

■ **شما دور جشنواره بازی‌های رایانه‌ای بودید، کار کودک کم زیاد انجام دادید، کودک درون‌تان فعال است نه؟**

خیلی. بچگی به نظر من دوره بااهمیتی است. آدم‌ها بیخودی جدی می‌شوند و فکر می‌کنند که اگر جدی شوند، آدم‌های مهمی شده‌اند. اصلا این جور نیست. ■ **کاری در زندگیتان بوده که به خاطر ششله سینمایی فرصت نکرده باشید به آن بپردازید؟**
خیلی کارها، مثل بچه‌دار شدن. دلم می‌خواست زودتر از اینها بچه‌دار می‌شدم. سفر رفتن، زندگی کردن، معاشرت کردن، خوابیدن. نه اینکه این کارها را نکرده باشم. اما اقتضای آن می‌خواست، نبوده است. به قول آقای فخریه: آدم حرفه‌ما خیلی محسوس‌است. اینکه ببیند به چیزی غیر از آن توجه می‌کنی، حسادت می‌کند. سینما آنقدر تو را جذب خودش می‌کند که ناخودآگاه از چیزهای دیگر غافل می‌شوی. یک استادی داشتم که می‌گفت: بچه‌ها وارد یک حرفه‌ای شداید که ممکن است یک روزی وسط روز بروی خانه و ببینید که بچه‌تان می‌گوید مامان این آقاچه کیه که چند وقت یکبار میاد و میره؟ ولی فکر می‌کنم پدر خوبی شوم همه دور و بری‌هایم هم روی این مساله اتفاق نظر دارند.

■ **ازجوان‌تان چقدر در کار تان تأثیر داشته؟**

از وقتی که ازدواج کرده‌ام زندگی‌ام منظم‌تر شده. قاعدتا وقت‌هایی هم که در یک کار مشترک همکاری داریم، زندگیمان روی روال بهتری است. مثلا برای سریال توطئه خلواک‌گی سه ماه در شمال فیلمبرداری داشتیم. عملا باید سه ماه در شمال زندگی می‌کردیم و اینکه هردو تانمان در یک پروژه بودیم، خیال هر دوی ما را راحت می‌کرد و تأثیر بهتری بر کار می‌گذاشت.

■ **اینکه شما کارگردان کاری باشید که همسرتان بازیگرش کار و زندگی را با هم قاطی نمی‌کند؟**
نه، به خاطر اینکه سحر در کارش خیلی حرفه‌ای است و هیچ وقت کار و روابط شخصی را قاطی نمی‌کند. در کار، کار می‌کنیم، همسر هم مثل بقیه بازیگرها کار خودش را انجام می‌دهد. کار که تمام شد دوباره زن و شوهر می‌شویم.